

حضرت مهدی (ع) در تفاسیر اهل سنت

شهربانو کاهدی*
صغری رادان**

چکیده

با توجه به اعتقاد به منجی بشریت در آخرالزمان از جانب تمامی فرق اسلامی تفاوت‌هایی نیز در فرد و چگونگی ظهور منجی وجود دارد. لذا با فرض این که وجود منجی حتمی می‌باشد، تفاوت‌هایی در بین تفاسیر شیعه و سنی در این باب وجود دارد. در این گفتار آیات و تفاسیر تفسیر شده از جانب شیعه دربارهٔ امام عصر را بیان و سپس از این آیات، مواردی را که اهل سنت نیز همان بیان را دارند را برگزیده و مقایسه تطبیقی بین دو فرقه را خواهیم داشت. در نهایت به این نتیجه خواهیم رسید که اگر چه تعداد آیات مورد پذیرش دو گروه متفاوت است اما در پذیرش قطعی وجود حضرت مهدی (ع) به عنوان منجی از دیدگاه شیعه و سنی تفاوت فاحشی وجود ندارد و آیات مشترکی در بین نظرات فریقین وجود دارد که بر حضرت مهدی (ع) منطبق می‌باشد.

کلید واژه‌ها: حضرت مهدی (ع)، موعود، مهدویت، آخرالزمان.

* دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد قم، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اراک.

** دانشجوی دکتری دانشگاه قم.

مقدمه

در قرآن کریم، درباره مسایل آینده دوران، و حوادث آخر الزمان، و استیلای خوبی و خوبان بر جهان، و حکومت یافتن صالحان - گاه به اشاره، و گاه به تصریح - سخن گفته شده است. این گونه آیات را مفسران اسلامی با مستندات و مدارک درباره حضرت مهدی و ظهور آخر الزمان دانسته اند.

۱. وارثان خدا بر روی زمین: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (الأعراف، ۷/۱۲۸)؛ «موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و پایداری ورزید، که زمین از آن خداست؛ آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می دهد؛ و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است».

۲. حکومت صالحان در زمین: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الأنبياء، ۲۱/۱۰۵)؛ «و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».

۳. حکومت جهانی مستضعفان: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (النور، ۲۴/۵۵)؛ «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد. و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند».

۴. آیه ظهور حق: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (التوبة، ۳/۳۳)؛ «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

۵. ذخیره الهی: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ» (هود، ۱۱/۸۶)؛ «اگر مؤمن باشید، باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است، و من بر شما نگاهبان نیستم».

۶. مستضعفان وارثان زمین: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (القصص، ۲۸/۵)؛ «وخواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم».

۷. مضطر کیست؟: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهًا مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدَّكَّرُونَ» (النمل، ۲۷/۶۲)؛ «یا [کیست] آن کس که درمانده را - چون وی را بخواند - اجابت می کند، و گرفتاری را برطرف می گرداند، و شما را جانشینان این زمین قرار می دهد؟ آیا معبودی با خداست؟! چه کم پند می پذیرید».

۸. منظور از فجر، لیال عشر، شفع و وتر چیست؟: «وَالْفَجْرُ * وَكَيَالٍ عَشْرٍ * وَالشَّفْعُ وَالْوَتْرُ * وَاللَّيْلُ إِذَا يَسُرُّ * هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ» (الفجر، ۸۹/۵-۱)؛ «سوگند به سپیده دم، و به شب های دهگانه، و به جفت و تاق». جابر جعفی گوید: امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه فرمودند: «ای جابر! سپیده دم، جدمن است و شب های ده گانه، ده امام است و منظور از شفع زوج امیرالمؤمنین(ع) و وتر فرد اسم حضرت قائم(ع) است».

۹. مراد از روز در آیه «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» چیست؟: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» (اللیل، ۹۲/۳-۱)؛ «سوگند به شب چون پرده افکنده. سوگند به روز چون جلوه گری آغازد». جابر گوید: امام صادق(ع) در تأویل این دو آیه: «قسم به شب وقتی که فراگیرد و روز وقتی که روشن شود». فرمود: «مراد از شب، دولت شیطان است تا روز قیامت صغری که همان روز قیام حضرت قائم(ع) است و مراد از روز، قیام حضرت قائم(ع) است هنگامی که قیام می کند».

۱۰. روشن کننده زمین: «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَاهَا» (الشمس، ۹۳/۳-۱)؛ «سوگند به خورشید و تابندگی اش، سوگند به مه چون پی [خورشید] رود، سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند». فضل بن عباس گوید: امام صادق(ع) در تأویل این آیات: «قسم به خورشید و روشنایی اش و ماه چون از پی آن در آید و روز چون زمین را روشن کند» فرمود: «مراد از خورشید، امیرالمؤمنین(ع) است و منظور از «ضُحَاهَا» نور خورشید قیام حضرت قائم(ع) است و ماه که از پی آن درآید، امام حسن و امام حسین(ع) هستند و روز که زمین را روشن کند، نیز قیام قائم(ع) است».

آیات یاد شده و پاره ای دیگر از آیات قرآن کریم به مهدی موعود(ع) و مسایل و

رخدادهای آخرالزمان و وقایع مقارن ظهور و پس از ظهور، تفسیر شده است. و در شرح و تفسیر آنها، به احادیث نبوی، و سخنان امام علی بن ابی طالب و دیگر ائمه طاهرين (ع) و سایر علما و محدثان و بزرگان اسلام، استناد شده است.

از دو دسته آیات، می توان برای وجود حضرت مهدی (ع) و ظهورش استفاده نمود:
اول: آیاتی که ضرورت وجود حجت الهی را در زمین بیان می کنند:

از نظر قرآن کریم، در طول تاریخ زندگی بشر، هیچ گاه زمین از حجت خدا خالی نبوده و خداوند برای هر امتی فردی مناسب را برگزیده تا انسان ها را در راه رسیدن به کمال مطلوب رهنمون باشند؛ چنان که خداوند سبحان فرمود: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (الرعد، ۱۳/۷)؛ «به درستی که تو بیم دهنده ای و برای هر جامعه راهنمایی هست».

پس همواره یک بیم دهنده و هدایت گر در جوامع انسانی حضور دارد که از جانب خدا برگزیده شده است. امام صادق (ع) در تفسیر آیه یاد شده فرمود: «و فی کل زمان امام متا یهدیهم الی ما جاء به رسول الله (ص)؛ در هر زمانی امامی از خاندان ما وجود دارد که مردم را به آنچه رسول الله آورده - دین اسلام - هدایت می کند».^۱
از مجموع این آیه و روایت، ضرورت وجود حجت الهی به عنوان هدایت گر در هر عصر، به خوبی فهمیده می شود.

دلیل دیگر بر ضرورت وجود امام معصوم (ع) در جامعه این است که قرآن مبین و مفسر لازم دارد و به جز امام معصوم (ع) کسی به تمام معانی و خصوصیات آیات قرآن از محکمت و تشابهات آگاه نیست. پس به حکم عقل قطعی پس از رسول (ص)، امام معصوم (ع) لازم است.^۲

دوم: آیاتی که بشارت به حکومت صالحان و مؤمنان بر روی زمین می دهد:
بر اساس ده ها آیه از قرآن کریم موضوع ظهور حضرت مهدی (ع) قابل استناد است. تمرکز غالب این آیات بر بشارت به بندگان صالح و مستضعف برای بازستادن حق خود و رسیدن به قدرت و ایجاد یک حکومت واحد جهانی مبتنی بر حق و عدل و غلبه اسلام بر تمامی مکاتب و ادیان است. قرآن کریم از یک سو بیان می کند این بشارت در بعضی کتب آسمانی دیگر هم آمده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الانبياء، ۲۱/۱۰۵)؛ «و همانا در زبور بعد از ذکر [تورات] نوشتیم که زمین

را بندگان شایسته من به ارث خواهند برد» .

از سوی دیگر این بشارت را به اراده خداوند استناد می دهد: «و خواستیم بر مستضعفان روی زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان گردانیم» (القصص، ۲۸/۵). این آیات بشارت به ظهور می دهند که در تفسیر آنها روایات زیادی وجود دارد .

در آیه ای دیگر خداوند حکومت و جانشینی مؤمنان و صالحان را به عنوان «وعدۀ الهی» بر بندگان با ایمان خود بیان می کند و آرامش را مژده می دهد: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این زمین جانشین - خود - قرار دهد و آن دینی را که بر ایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به امنیت مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و ...» (النور، ۲۴/۵۵) .

انتظار فرج نیز که خود بحثی مسبوط و مفصل است و دلالت بر «وجود» و «ظهور» حضرت ولی عصر (ع) می کند، در قرآن و روایات ائمه اطهار (ع) مورد اشاره قرار گرفته است؛ «وَارْتَقِبُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ رَقِيبٌ» (هود، ۱۱/۹۳) .

امام رضا (ع) در تفسیر آیه یاد شده، انتظار فرج را موجب گشایش و آرامش دانسته اند. ۳ در زمینه ظهور و قیام آن حضرت و جامعه آرمانی مهدوی، می توان توصیفات و اشارات زیر را از قرآن به دست آورد:

۱. غلبه نهایی حق بر باطل و شکست جبهه کفر و فساد و نفاق .
۲. جانشینی و خلافت مستضعفان بر روی زمین و حاکمیت صالحان و نیکان .
۳. گسترش و فراگیری دین حق در برهه ای خاص از زمان .
۴. از آن روز موعود، تحت عناوین آیام الله، وقت معلوم، روز نصرت و پیروزی و طلوع فجر و سلامتی و . . . یاد شده است .
۵. در آیاتی از آن حضرت با نام های نعمت باطنی، بقیة الله، کلمة باقیة، اولى الامر؛ مهتدون «مهدی»؛ اقامه کننده نماز، مضطر، جنب الله، حزب الله، فجر، «نهار إذا تجلی» و . . . نام برده است .

۶. خداوند، نور خود را کامل می کند .

۷. در آن عصر، زمین بعد از مرگش، زنده می شود .

۸. او منصور از جانب خدا و انتقام گیرنده از دشمنان است .

۹. زمین، به نور پروردگار، روشن خواهد شد.
۱۰. در روز پیروزی، ایمان آوردن کافران، سودی نخواهد داشت.
۱۱. هر چه در روی زمین است، تسلیم و مطاع او خواهند شد.
۱۲. حضرت مهدی «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» است.
۱۳. او تأمین کننده امنیت و آرامش در روی زمین است.

با این توضیحات می توان به تفصیل آیات درباره امام زمان(ع) در قرآن را به چند دسته جزئی تر تقسیم کرد: ۱. دسته ای از آیاتی که به وجود امام مهدی(ع) تأویل گردیده است، به وصف آن بزرگوار و بیان جایگاه تکوینی و تشریحی شان در عالم هستی اشاره دارند: مانند این که امام(ع)، «غیب» عالم است که ایمان به آن، شرط ورود در حلقه اهل ایمان می باشد. ۲. بخش دیگری از آیات موعود در قرآن، به حتمی بودن ظهور امام(ع) و قطعی بودن انتقام از ستم پیشگان و استقرار حاکمیت شایستگان بر عرصه گیتی اختصاص دارد. ۳. سومین بخش از آیات موعود در قرآن، آیاتی می باشند که طی آنها، خداوند متعال به بیان شرایط دشوار روز میعاد و قیام موعود برای منکران و کسانی که تا آن هنگام ایمان نیاورده اند پرداخته است و اهل کفر را اندازی شدید داده است

آیات تفسیر شده به حضرت مهدی(ع) در میان شیعه:

نحوه ایجاد ارتباط، یا برداشت تفسیری میان آیه و موضوع، به ویژه در تفاسیر اهل البیت(ع)، همیشه بر یک مناط و منوال نیست. گاهی، معنای روشن ظاهر کلمات آیه، بستگی آن را به موضوع مهدویت، به خوبی می رساند. زمانی، آیه به ظاهر، از مبحث دیگری سخن می گوید؛ اما در باطن، اشاره به مطلب ما دارد. گه گاهی، موعود منتظر و حوادث روزگار او، مصداق تام یا اتم یک محتوای قرآنی می باشد. و سرانجام، در مواردی از حدیث معصوم، ضمن بیان ویژگی های موعود و رویدادهای عصر ظهور، آیه ای به عنوان شاهد مثال آورده شده، تا آن سیمات و نکات، مسدّد و مستند گردد^۴. فهرست آیاتی که در تفاسیر شیعه با استناد به روایات بر حضرت مهدی(ع) اشارت دارند موارد ذیل الذکر می باشد:

الفاتحه ۱/ ۷- البقرة ۳/ ۳۷، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۵۷،

۲۱۰، ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۹؛ آل عمران/ ۳۷، ۴۶، ۵۵، ۶۸، ۸۱، ۸۳،
 ۹۷، ۱۲۵، ۱۴۰، ۱۴۴، ۲۰۰؛ النساء/ ۵۹، ۶۹، ۷۷، ۱۳۰، ۱۵۹؛ المائدة/ ۳،
 ۱۲، ۱۴، ۲۰، ۴۱، ۵۴، ۱۱۸؛ الأنعام/ ۲، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۶۵، ۸۹، ۱۵۸؛ الأعراف/
 ۴۶، ۵۳، ۷۱، ۹۶، ۱۲۸، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۸۷؛ الأنفال/
 ۷، ۸، ۳۹، ۷۵؛ التوبة/ ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۵۲، ۱۱۱، ۱۱۹؛ یونس/ ۲۰، ۲۴،
 ۳۵، ۳۹، ۴۸، ۵۰، ۶۲، ۶۴، ۹۸؛ هود/ ۸۰، ۸۳، ۸۶، ۹۳، ۱۱۰؛ یوسف/ ۱۱۰؛
 الرعد/ ۷، ۱۳، ۲۹؛ ابراهیم/ ۵، ۲۸، ۴۴، ۴۵، ۴۶؛ الحجر/ ۱۶-۱۷، ۳۸-۳۶،
 ۸۷؛ النحل/ ۱، ۲۲، ۳۳، ۳۴، ۳۷-۴۰، ۴۵؛ الإسراء/ ۴-۶، ۷، ۳۳، ۷۱، ۷۲،
 ۸۱؛ الکهف/ ۴۷، ۹۸؛ مریم/ ۳۷، ۵۴، ۷۵، ۷۶؛ طه/ ۱۱۰-۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۳،
 ۱۲۴، ۱۳۵؛ الأنبياء/ ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۳۵، ۳۸، ۷۳، ۹۵، ۱۰۵؛ الحج/ ۳۹، ۴۱،
 ۴۵، ۴۷، ۶۰، ۶۵؛ المؤمنون/ ۷۷؛ النور/ ۳۵، ۵۳، ۵۵؛ الفرقان/ ۱۱، ۲۶، ۵۴،
 ۶۳-۷۶؛ الشعراء/ ۴، ۲۱، ۲۰۷؛ النمل/ ۱۵، ۵۹، ۶۲، ۷۱، ۸۲، ۸۳، ۹۳؛
 القصص/ ۵، ۸۵؛ العنکبوت/ ۱، ۲، ۱۰، ۴۹؛ الروم/ ۱-۳، ۴، ۵؛ لقمان/ ۲۰؛
 السجدة/ ۲۱، ۲۷-۳۰؛ الأحزاب/ ۶، ۱۱، ۶۱، ۶۲؛ سبأ/ ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۵۱؛
 فاطر/ ۴۱؛ یس/ ۳۰، ۳۳، ۴۸، ۵۲؛ الصافات/ ۸۳؛ ص/ ۱۷، ۷۷، ۷۹-۸۱، ۸۸؛
 الزمر/ ۶۹؛ غافر/ ۱۱؛ فصلت/ ۳۰، ۳۴، ۴۵، ۵۳؛ الشوری/ ۱، ۲، ۱۸، ۲۰، ۲۳،
 ۲۴، ۴۵؛ الزخرف/ ۲۸، ۶۱، ۶۵، ۶۶؛ الدخان/ ۳-۴؛ الجاثیة/ ۱۴؛ الأحقاف/
 ۱۳، ۳۵؛ محمد(ص)/ ۴، ۱۷؛ الفتح/ ۲۵، ۲۸؛ ق/ ۴۱-۴۲؛ الذاریات/ ۲۲، ۲۳؛
 الطور/ ۱-۳، ۴۷؛ النجم/ ۵۳؛ القمر/ ۱، ۶؛ الرحمن/ ۴۱؛ الواقعة/ ۱۰؛ الحديد/
 ۱۶، ۱۷، ۱۹؛ الصف/ ۱۳؛ التغابن/ ۱۲؛ الملک/ ۲۵، ۳۰؛ القلم/ ۱۵؛ المعارج/ ۱،
 ۲، ۴، ۴۴؛ الجن/ ۱۶، ۲۴، ۲۶؛ المزمل/ ۱۰؛ المدثر/ ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۱، ۱۹، ۲۰،
 ۳۵، ۳۶، ۴۰-۴۸؛ النازعات/ ۶، ۱۲۷، ۱۳؛ عبس/ ۲۱-۲۳؛ التکویر/ ۱۵-۱۶؛
 المطففین/ ۱۳؛ الانشقاق/ ۱۹؛ البروج/ ۱؛ الطارق/ ۱۵-۱۷؛ الغاشیة/ ۱-۴؛
 الفجر/ ۱-۳، ۲۲؛ الشمس/ ۱-۱۵؛ اللیل/ ۱-۲۱؛ القدر/ ۱-۵؛ البینة/ ۵؛
 التکاتر/ ۳-۸؛ العصر/ ۱-۳. اما آنچه که در این گفتار مهم است این است که همه آن
 نکات در تفاسیر أهل سنت نیامده است و تنها می توان به موارد زیر در تفاسیر اهل سنت

دست یافت .

آیات تفسیر شده به حضرت مهدی (ع) در اقوال اهل سنت :

آیاتی از قرآن کریم درباره حضرت مهدی (ع) است و روایات فراوانی نیز عهده دار تفسیر آن آیات اند و اکنون برخی از آن آیات که از منظر مفسران اهل سنت به حضرت مهدی (ع) اختصاص دارند ذکر خواهد شد .

۱ . « هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ » (التوبة، ۳۳)؛ «او کسی است که پیامبر خود را برای مردم فرستاد، با دینی درست و بر حق، تا او را بر همه دین ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان را خوش نیاید» .
در تفسیر قرطبی آمده است : پیروزی اسلام بر دیگر ادیان، هنگام قیام مهدی (ع) است در آن زمان، مردمان یا باید مسلمان شوند و یا جزیه دهند . و این که گفته شده است مهدی (ع) همان عیسی (ع) است نادرست است زیرا اخبار صحیح به گونه ای متواتر وارد شده که مهدی (ع) از خاندان پیامبر (ص) است ^۵ . همان طور که بیان شد از جانب یک مفسر اهل سنت ادعا شده که چنین روایاتی در باب مهدی موعود (ع) متواتر است و این در تایید تفاسیر شیعه بسیار حائز اهمیت است .

و در کتاب البیان در تفسیر این آیه آمده است : کسی که خدا او را بر همه ادیان چیره می گرداند، مهدی (ع) از فرزندان فاطمه (س) است ^۶ . و در تفسیر کشف الأسرار که از تفاسیر معتبر اهل سنت است در شرح این آیه می گوید : رسول در این آیه : محمد (ص) است و هدی و هدایت : قرآن و ایمان است و دین حق : اسلام است و خدا این دین را بر دیگر ادیان برتری می دهد، چنان که دینی نماند مگر این که اسلام بر آن غالب آید . و این امر بعد از این خواهد شد و هنوز نشده است ^۷ .

۲ . « بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ » (هود، ۸۶/۱۱) ؛ «اگر با ایمان باشید؛ بقیة الله برای شما خیر است» .

در نور الأبصار آمده است : چون «مهدی (ع)» ظهور کند، کعبه را پایگاه خویش قرار می دهد و ۳۱۳ نفر از یارانش به او می پیوندند، آنگاه در نخستین سخن این آیه را تلاوت می کند «بقية الله بهتر است برای شما اگر ایمان بیاورید» پس می گوید : منم بقية الله و خليفه خدا و حجت او بر شما ^۸ .

۳. «لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (البقرة، ۲/۱۱۴)؛ «آنان در مسجدها جز بیمناک و ترسان داخل نخواهند شد و نصیبشان در دنیا خواری و در آخرت عذابی بزرگ است».

سیوطی می نویسد: خواری و ذلت در دنیا زمانی فرامی رسد که مهدی (ع) به پا خیزد و قسطنطنیه را فتح کند و آنان را بکشد^۹. و نیز همین مطلب که سیوطی نوشته است تصریح شده است. جهت مثال: سدی گفت خزی ایشان در دنیا آنست که مهدی (ع) بیرون آید و قسطنطنیه بگشاید. و جای ایشان خراب کند و قومی را بکشد، و قومی را بردگی ببرد، و مهدی (ع) آنست که مصطفی (ص) گفت: «لو لم یبق من الدنیا إلا یوم لطول اللّٰه ذلک الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً منی او من اهل بیتی یواطئ اسمه اسمی، و اسم ابيه اسم ابي، یملاً الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً»^{۱۰}. چنانچه مشاهده می شود در تایید سخن خویش روایتی را در معرفی مهدی زمان (ع) نیز می آورد.

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۳/۲۰۰)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و مقاومت ورزید و مرابطه کنید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید».

حافظ قندوزی از [امام] محمد باقر (ع) درباره این آیه روایت کرده است که فرمود: «شکیبا باشید بر ادای فرائض و واجبات، و در برابر آزار دشمنان استقامت ورزید و با امامتان مهدی (ع) مرابطه نمائید»^{۱۱}.

۵. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا» (الأعراف، ۷/۱۸۷)؛ «از تو درباره ساعت می پرسند که زمان وقوع آن کی است».

حافظ قندوزی از مفضل بن عمر از [امام جعفر] صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «ساعت قیام قائم است»^{۱۲}.

۶. «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (الحديد، ۵۷/۱۷)؛ «بدانید که خدا زمین را پس از مرگش احیاء می کند».

حافظ قندوزی می نویسد: خداوند آنرا توسط «قائم» زنده می سازد، پس در آن عدالت کند و زمین را توسط عدل، پس از مردنش به واسطه ظلم، زنده سازد^{۱۳}.

۷. «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (التغابن، ۶۴/۸)؛ «پس

ایمان آرید به خدا و رسول و نوری که فرود آوردیم، و خداوند بدانچه کنید آگاه است». علامه قیسی می نویسد، حافظ أبوجعفر محمد بن جریر طبری، گفت: در حجة الوداع پیامبر (ص) فرمود: «ای مردم: آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا؛ سپس فرمود: «نور در من است، سپس در علی (ع) است، و بعد در نسل وی باشد تا قائم مهدی (ع)». ۱۴. ۸. «حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْخَرُونَ مِنْ أُضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا» (البقره، ۲۴/۷۲)؛ «تا وقتی که ببینند آنچه را وعده داده می شوند، پس به زودی بدانند که چه کسی از حیث یار ناتوان تر و از حیث عدد کمتر است».

حافظ قندوزی از امام سجاد (ع) در تفسیر این آیه نقل می کند: «مَا يُوعَدُونَ»؛ «آنچه وعده داده می شوند» در این آیه «قائم» مهدی (ع) و اصحاب و یاران اویند. و هنگامی که «قائم» ظهور کند دشمنان او ضعیف تر و عددشان کمتر است». ۱۵.

مقایسه دیدگاه شیعه و اهل سنت در باب آیات: با توجه به به گسترده بودن بحث روایی در باب مهدی موعود (ع) در تفاسیر و اعتماد بیشتر شیعه در تفاسیر به اهل بیت (ع) و متکی بودن به روایات اهل بیت (ع)؛ تاویل و تفسیر آیات بیشتری درباره امام عصر می باشد، اما در تفاسیر اهل سنت به ویژه تفاسیر اثری أعصار اولیه اسلام روایات صحیح بسیاری وجود دارد که در تأیید روایات شیعه می باشد. و روایات صحیح و موثقی را ذکر کرده اند که منطبق بر حضرت مهدی (ع) می باشد و حتی گاه روایاتی را در معرفی امام قائم (ع) ذکر کرده اند. لذا با این اتفاق نظر شیعه و اهل سنت در مورد موضوع به این مهمی می بایست در شناخت هرچه بیشتر امام عصر (ع) و یافتن و ترویج روایات صحیح در شناساندن امام حی به مردم کوشید.

۱. بحار الأنوار، ۲۳/ ۵.
۲. مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ۳/ ۳۹.
۳. المیزان/ ۳۹۳.
۴. مهدویت در قرآن/ ۱۰۳.
۵. الجامع الأحكام القرآن، ۸/ ۱۱۱.
۶. نور الأبصار/ ۳۴۳.
۷. كشف الأسرار، ۴/ ۱۱۹- ۱۲۰.
۸. نور الأبصار/ ۳۴۹.
۹. النور المنشور في التفسير بالمأثور، ۱/ ۲۶۴؛ كشف الأسرار، ۱/ ۳۲۵.
۱۰. كشف الأسرار و عدة الأبرار، ۱/ ۳۲۶-۳۲۵.
۱۱. موعود قرآن/ ۲۲ به نقل از ینابیع المودة/ ۵۰۶.
۱۲. موعود قرآن/ ۴۴ به نقل از ینابیع المودة/ ۴۲۹.
۱۳. موعود قرآن/ ۱۳۹ به نقل از ینابیع المودة/ ۵۱۴.
۱۴. موعود قرآن/ ۱۴۶ به نقل از ماذا فی التاریخ، ۳/ ۱۴۷- ۱۴۵.
۱۵. موعود قرآن/ ۱۴۰ به نقل از ینابیع المودة/ ۵۱۵.